

## آمار کشتگان غزوه بنی قریظه: پژوهشی بر پایه روش تحلیل اسناد- متن<sup>۱</sup>

مهدی ملک محمدی<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

محمدکاظم رحمان ستایش

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ایران

### چکیده

منابع روایی اسلامی آمارهای گوناگونی از شمار کشتگان یهودیان در غزوه بنی قریظه، عمدتاً بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ تن، ارائه می‌کنند. به جز اندکی، بیشتر اقوال به صورت مرسل و غیر مسند بیان شده‌اند. برخی از مورخان و محققان به آمارهای یادشده با دیده تأیید نگریسته، شماری آن را انکار کرده و گروهی نیز درباره آن سکوت کرده‌اند. این مقاله بر آن است که اقوال یاد شده را نخست تا حد امکان بر پایه روش تحلیل اسناد- متن، تاریخ‌گذاری کرده، دوره و بستر ظهور آن‌ها را تعیین کند. سپس با بهره‌گیری از برخی دیگر از روایات مربوط به این جنگ و اطلاعات تاریخی مرتبط همچون شمار قبایل و آمارها را تحلیل و ارزیابی کند. از مجموع بررسی‌ها می‌توان دریافت که روایات این آمارها، دست‌کم پس از آن که اصل کشتار بنی قریظه در بین مسلمانان پذیرفته شد، در نیمه نخست قرن دوم در مناطق متعدد اسلامی همچون مکه، مدینه، کوفه شیوع یافته و کمی بعدتر به شهرهایی همچون بغداد و بصره گسترش یافته‌است.

**کلیدواژه‌ها:** یهودیان در عصر پیامبر، غزوه بنی قریظه، آمار کشتگان بنی قریظه، تاریخ‌گذاری حدیث.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۵

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): mahdimm1360@gmail.com

## ۱. مقدمه

بر پایه گزارش‌های منابع تاریخی و روایی اسلامی، یهودیان بنی قریظه در سال پنجم هجری هم‌زمان با جنگ احزاب پیمان خود با پیامبر (ص) را شکستند و با مشرکانی که به مدینه یورش آوردند، همراهی کردند. پیامبر (ص) پس از فراغت از پیکار با مشرکان، به مدینه بازگشت و بلافاصله با یاران خویش برای مقابله با یهودیان پیمان‌شکن به قلعه بنی قریظه حمله کرد. پس از ده تا بیست روز محاصره، یهودیان تسلیم و به حکمیت سعد بن معاذ انصاری راضی شدند. سعد حکم کرد: مردان جنگی کشته شوند، زنان و کودکان اسیر گردند و دارایی‌ها به غنیمت گرفته شود. پس از تأیید صریح حکم از سوی رسول خدا (ص)، مردان را کشتند و زنان و کودکان را به اسیری گرفتند.<sup>۳</sup> منابع اسلامی در بیان شمار کشته‌شدگان قرظی اختلاف نظر دارند و عمدتاً آمارهایی بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ تن را ارائه می‌کنند. پاره‌ای آمارها مسند و بسیاری فاقد سند هستند. در مطالعه آمارهای یاد شده چهار رویکرد کلی وجود دارد که از آن میان، دو رویکرد کلامی با پذیرش ضمنی اعداد یاد شده، متضاد و در مقابل یکدیگرند؛ اما سومی، با رویکرد تاریخی پاره‌ای استبعادها را برای نقد و رد ارقام یاد شده مطرح می‌کند. رویکرد چهارم بدون اظهار نظر قطعی، سکوت را ترجیح می‌دهد.

الف. گروه نخست دو دسته‌اند: برخی کوشیده‌اند کشتار بنی قریظه را موجه نشان دهند؛ از جمله، آن را مطابق حکم یهودی در بخش‌هایی از کتاب مقدس همچون سفر تثنیه (۲۰/۱۰-۱۵) دانسته‌اند یا آن که به سبب پیمان‌شکنی یهود، کشتار آن‌ها را با عقل و منطق سازگار می‌دانند.<sup>۴</sup> بعضی نیز بدون موضع‌گیری، به گزارش صرف ارقام کشته‌ها بسنده کرده و به طور ضمنی آن را پذیرفته‌اند. نویسندگان مدخل‌های بنی قریظه در دائرة المعارف قرآن لایدن

۳. برای نمونه نک. ابن هشام، ۵۹/۲، ۲۲۰-۲۳۶؛ واقدی، ۴۹۶/۲-۵۳۱.

۴. برای نمونه نک. مغنیه، ۲۰۸/۶-۲۱۰؛ Ahmad, 23.

(EQ)،<sup>۵</sup> دائرة المعارف قرآن کریم،<sup>۶</sup> دانشنامه حج و حرمین،<sup>۷</sup> دانشنامه جهان اسلام<sup>۸</sup> که تنها شمار زیاد کشتگان را نقل یا به تعداد آن‌ها اشاره‌ای ناقص کرده‌اند را می‌توان از این گروه به‌شمار آورد.

ب. گروه دوم، قتل عام بنی قریظه را دستاویزی برای مخالفت با اسلام قرار داده‌اند. اینان اقدام پیامبر (ص) را از جنبه‌ای غیر قدسی تحلیل کرده و برای نمونه، کشتار یاد شده را حاصل کینه‌توزی پیامبر (ص) با یهودیان، برای رهایی از شرّ آنان و عملی غیر اخلاقی می‌دانند.<sup>۹</sup>

ج. دسته سوم، به آمارهای ارائه شده به دیده تردید نگریسته و کوشیده‌اند با روش‌های گوناگون به نقد آن پردازند؛ از جمله ارقام کشتار را دارای تشّت می‌دانند و پاره‌ای استبعادها را مطرح می‌کنند؛ مانند این که: کشتاری بدین گستردگی می‌بایست (۱) وحشت زیادی در بین مردم ایجاد کرده باشد ولی شاهدی بر این مطلب در دست نداریم؛ (۲) انتقادهای بسیاری را نسبت به پیامبر برانگیزد ولی گزارشی در تأیید آن موجود نیست.<sup>۱۰</sup> همچنین کشتار ۹۰۰ مرد جنگی را مستلزم وجود حدود ۴۰۰۰ تن در قبیله شمرده‌اند که با واقعیت‌های جغرافیایی و اجتماعی آن روزگار سازگار نیست.<sup>۱۱</sup> افزون بر این، برخی کوشیده‌اند ابن اسحاق (د ۱۵۱هـ) را منشأ گسترش روایات و آمارهای یاد شده بدانند و او را به سبب عدم اقبال برخی فقیهان مانند مالک به وی تضعیف کنند و از جهتی دیگر، داستان را متأثر از وقایعی بدانند که پاره‌ای

#### 5. Schöller, 4/ 334.

۶. سامانی، دائرة المعارف قرآن کریم، ۶/ ۲۴۹-۲۵۰ «بنی قریظه»

۷. همو، دانشنامه حج و حرمین، ۴/ ۵۰۷ «بنی قریظه».

۸. آهنچی، ۴/ «بنی قریظه»

۹. برای نمونه نک. دشتی، ۱۰۹؛ ابن وراق، ۲۰۹-۲۱۴.

۱۰. اداک، ۱۴۵-۱۴۸.

۱۱. شهیدی، ۹۵.

منابع درباره رخدادهای اولیه قوم یهود در ماجرای ماسادا بیان کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> روش سنتی نقد حدیث بر پایه جرح و تعدیل راویان را نیز می‌توان در این دسته به شمار آورد.<sup>۱۳</sup>

د. گروه چهارم در برابر ارقام کشتگان سکوتی همراه با ابهام دارند؛ ابن کثیر (د ۷۷۴هـ) پس از آن که اختلاف آمارها را گزارش کرده، گویا نمی‌تواند قولی را ترجیح دهد و به همین رو، با تعبیر «فالله أعلم»، ابهام خویش را در این باره بیان می‌دارد.<sup>۱۴</sup>

رویکردهای یاد شده عمدتاً فاقد تتبع لازم و نگاهی جامع نسبت به همه اقوال و غیر قابل ارزیابی علمی‌اند و بعضاً با پیش‌فرض کلامی به تحلیل آمارها پرداخته‌اند. همچنین عدم توجه به آمارهای ارائه شده مربوط به دیگر وقایع صدر اسلام، به بروز تحلیل‌هایی می‌انجامد که با ذهنیت راویان اولیه و چه بسا واقعیت فاصله دارد. افزون بر این، در رویکرد سوم، بدون توجه به دوره‌های پیدایش و یا شیوع هر یک از ارقام کشتگان و پاسخ به این که اساساً تا چه اندازه می‌توان آن‌ها را قدیمی انگاشت، صرفاً پاره‌ای استبعادها بیان شده‌است. در پژوهش حاضر برآنیم با مطالعه اقوال و روایات مربوط به شمار کشتگان قرظی، آن‌ها را تا حد امکان بر پایه روش تحلیل اسناد- متن و بهره‌گیری از پاره‌ای شواهد دیگر از جمله مقایسه با دیگر اعداد مربوط به گزارش‌های تاریخی صدر اسلام و نیز تعداد و شمار قبایل، تاریخ‌گذاری و بستر ظهور و گسترش روایات یاد شده را تحلیل کنیم. همچنین خاستگاه برخی آمارهای فاقد سند کشف و تاریخ‌گذاری خواهد شد. بر این اساس، روشن خواهد شد بخشی از اعداد یاد شده از سوی چه کسانی، در چه دوره‌ای و در کجا شیوع یافته‌اند و بر همین اساس، می‌توان دوره شیوع دیگر اعداد را نیز حدس زد. بنابراین بررسی جعلی یا واقع‌نما بودن هر یک از اعداد یاد

---

۱۲. بر اساس داستانی مربوط به سده اول میلادی، یهودیان انقلابی در پی قیام علیه یونانیان و تخریب معبدشان، به قلعه ماسادا پناه بردند، اما در نهایت، محاصره و بسیاری از آنان قتل عام شدند. جزئیات دو داستان شباهت‌هایی با یکدیگر دارد؛ Arafat, 100- 107.

۱۳. برای نمونه نک. سرمینی، ۳۶۸-۳۷۳.

۱۴. ابن کثیر، البدایة و النهایة، ۴/ ۱۲۴.

شده با تکیه بر روش حدیث‌شناسی سنتی (تعیین حدیث صحیح و ضعیف) از عهده پژوهش حاضر بیرون است؛ گرچه ممکن است نتیجه پژوهش ما به تعیین پاسخی برای آن یاری رساند.

در روش تحلیل اسناد- متن که از سوی برخی پژوهشگران همچون هارالد موتسکی<sup>۱۵</sup> به کار گرفته شده، به صورت هم‌زمان به سند و متن روایت توجه و ارتباط سندها و متن‌های مختلف کشف می‌گردد. در روش یاد شده، روایات مختلف یک حدیث با رجوع به همه منابع در دسترس، گردآوری و نمودار درختی اسناد آن‌ها رسم می‌شود تا حلقه مشترک که همان عامل شیوع و ترویج روایت است، شناسایی شود. سپس متن‌ها تحلیل و تغییرات احتمالی آن همراه با حلقه مشترک و طرق نقل تحلیل می‌شود. بهره‌مندی از روش تحلیل اسناد- متن، با کشف هماهنگی بین طرق مختلف یک روایت با متن‌های گزارش شده و دیگر قرائن موجود، به ارزیابی بهتر روایت از حیث خاستگاه و تغییرات احتمالی بعدی می‌انجامد.<sup>۱۶</sup>

## ۲. گزارش‌های مسند از جمعیت کشتگان بنی قریظه

گزارش‌های ۴۰۰، ۴۰ و ۶۰۰ کشته از بنی قریظه به صورت مسند و عمدتاً در منابع روایی نقل شده است که در ادامه به بررسی و تحلیل آن می‌پردازیم:

### ۲. ۱. روایت ۴۰۰ کشته

ابوعبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴هـ)،<sup>۱۷</sup> احمد بن حنبل (د ۲۴۱هـ)،<sup>۱۸</sup> دارمی (د ۲۵۵هـ)،<sup>۱۹</sup>

---

## 15. Harald Motzki

۱۶. برای مطالعه بیشتر نک. پارسا، ۱۸۲ به بعد؛ آقایی، ۷۶-۸۰؛ Motzki, 250.

۱۷. ابوعبید، ۲۳۱/۱.

۱۸. ابن حنبل، ۳/۳۵۰.

۱۹. دارمی، ۲۳۸/۲.

ترمذی (د ۲۷۹هـ)،<sup>۲۰</sup> نسائی (د ۳۰۳هـ)،<sup>۲۱</sup> ابن حبان (د ۳۵۴هـ)<sup>۲۲</sup> و بیهقی (د ۴۵۸هـ)<sup>۲۳</sup> هر کدام با یک یا بیش از یک واسطه تا لیث بن سعد (۱۷۵ق) و با متنی تقریباً یکسان در ضمن نقل ماجرای جراحت سعد بن معاذ انصاری در جنگ احزاب تا شهادت وی، بر رقم ۴۰۰ کشته از بنی قریظه تصریح کرده‌اند.<sup>۲۴</sup> حلقه مشترک مجموعه اسانید لیث است که با واسطه ابوالزبیر (د ۱۲۸هـ) سند روایت را تا صحابی پیامبر (ص) جابر بن عبدالله (د بین ۶۸ تا ۷۹هـ) پیش می‌برد. (نمودار ۱) بر اساس نقل یاد شده، سعد پس از ناامیدی از بهبودی زخمش، از خداوند خواست پیش از مرگ، چشمانش به مجازات بنی قریظه روشن شود. با توافق بنی قریظه بر حکمیت سعد، پیامبر (ص) به سوی او فرستاد و او نیز به قتل مردان، اسارت زنان و کودکان قرظی و تقسیم آنان بین مسلمانان حکم کرد. رسول خدا (ص) با تعبیری تأییدآمیز، حکم سعد را حکم خداوند شمرد. در این جا جمله‌ای معترضه نقل و شمار کشته‌های قرظیان ۴۰۰ تن دانسته شده است: «وکانوا أربع مائة». در ادامه آمده است پس از فارغ شدن از قتل آنان، رگ او شکافت و از دنیا رفت. ظاهر جمله معترضه آن است که لیث گویا ادامه سخن جابر را نقل می‌کند و قرینه‌ای نه در متن روایت و نه بیرون از آن بر خلافش در دست نیست که بیان کند شماره یاد شده سخن لیث باشد. ابن کثیر هم بیان می‌کند لیث از ابوالزبیر و او از جابر نقل می‌کند که آنان ۴۰۰ تن بودند.<sup>۲۵</sup>

ساختار روایت یاد شده نشان می‌دهد دغدغه مهم راوی نخستین (جابر یا ابوالزبیر یا در

۲۰. ترمذی، ۷۱/۳-۷۲.

۲۱. نسائی، ۲۰۶/۵-۲۰۷.

۲۲. ابن حبان، ۱۰۶/۱۱.

۲۳. بیهقی، دلائل النبوة، ۲۸/۴.

۲۴. اقوال یاد شده صراحت ندارد که آیا آمارها مربوط به همه قرظیان است یا تنها مردان جنگاور اما باید دانست در نظام مردسالار و جنگاور عرب، تنها آمار مردان جنگی مهم بوده و از این رو، به احتمال بسیار، مقصود راویان نیز همین بوده است.

۲۵. ابن کثیر، البدایة، ۱۲۴/۲.

بدترین حالت، لیث)،<sup>۲۶</sup> نقل ماجرای جراحی تا شهادت سعد بن معاذ بوده و البته در ضمن آن ضرورتا به ماجرای بنی قریظه پرداخته و در حاشیه داستان به تعدادشان هم اشاره‌ای رفته است. از این رو، احتمال انگیزه‌ای برای جعل آگاهانه عدد ۴۰۰ کاهش می‌یابد. در عین حال، نمی‌توان به طور قطع گفت این تعداد را راوی بر چه اساسی اعلام کرده است؛ آیا حاصل مشاهده عینی او است یا از دیگران شنیده و یا حدسی بیش نیست. هر آن چه باشد اگر انتساب روایت به جابر ثابت شود، احتمال این که شمار یاد شده به واقع نزدیک باشد، افزایش می‌یابد چرا که بر پایه برخی گزارش‌ها، او جز در بدر و احد، در دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت کرده<sup>۲۷</sup> و به سبب معاصرت، می‌توانسته از افراد بنی قریظه -ولو بدون آمارگیری دقیق- ارزیابی درست‌تری را به دست دهد.

حُجَین (د ۲۰۵ هـ به بعد)، عبدالله بن صالح (د ۲۲۳/۲۲۲ هـ)، یونس بن محمد مؤدب (د ۲۰۸/۲۰۷ هـ)، احمد بن عبدالله بن یونس کوفی (د ۲۲۷ هـ)، قتیبۀ بن سعید (د ۲۴۰ هـ)، یزید بن موهب (د ۲۳۳/۲۳۳ هـ) و عبدالله بن یزید مقرئ (د ۲۱۳/۲۱۲ هـ) همگی از شاگردان لیث، روایت او را نقل کرده‌اند. بر اساس نمودار ۱، جز قتیبۀ بن سعید که حلقه مشترک فرعی به شمار می‌رود، حلقه مشترک فرعی دیگری پس از لیث دیده نمی‌شود، اما نمی‌توان پذیرفت مؤلفان جوامع روایی یاد شده همگی با طریقی جداگانه به لیث، به جعلی از پیش هماهنگ شده دست زده‌اند، زیرا بسیاری از آنان هم‌دوره‌اند و به احتمال بسیار، همگی نمی‌توانسته‌اند از وجود روایت در جوامع معاصران خود آگاه بوده و با وجود این، آن را با سندی متفاوت جعل کنند.<sup>۲۸</sup> بر پایه منابع رجالی، لیث در جوانی در مصر بود و بعدها پس از بهره‌مندی از عالمان مصر و حجاز به عراق رفته است. سال ورود لیث و شاگرد و کاتبش

۲۶. یا لیث که عامل شیوع روایت است، ساختار روایت را بر ساخته و یا از راویان پیش از خود شنیده است. در ادامه، مسأله یاد شده پاسخ روشن‌تری خواهد یافت.

۲۷. مزی، ۴/ ۴۴۹.

۲۸. نک. پارسا، ۲۴۹-۲۵۰.

عبدالله بن صالح به بغداد را ۱۶۱ هـ دانسته‌اند.<sup>۲۹</sup> از طرفی شاگرد دیگرش قتیبه در سن ۲۳ سالگی در سال ۱۷۲ هـ به عراق رفته است.<sup>۳۰</sup> عبدالله بن یزید مقرئ هم اهل بصره بود که بعدها در مکه ساکن شد. گفته شده عالمان بصری در بغداد از لیث حدیث شنیده‌اند.<sup>۳۱</sup> حجین نیز اهل بغداد بوده است. گرچه اطلاع چندانی از محل زندگی دیگر شاگردان لیث به دست نیامد، می‌توان حدس زد آنان نیز یا اهل بغداد بوده‌اند و یا با سفر به بغداد، حدیث را از لیث شنیده‌اند. شاگردان یاد شده در اوایل و نهایتاً تا دهه چهارم قرن سوم از دنیا رفته‌اند. بر این اساس، می‌توان گفت لیث در اواخر عمر خویش پس از ورود به بغداد و بین سال‌های ۱۶۱ تا ۱۷۵ هـ (سال مرگ او) رویداد را برای شاگردان خویش نقل کرده و رقم ۴۰۰ تن از بنی قریظه تا ربع سوم قرن دوم از سوی لیث در بغداد شیوع یافته است؛ البته، چنان‌که در ادامه خواهیم گفت، با قرینه‌ای دیگر می‌توان برای آن خاستگاهی قدیم‌تر، یعنی ابو الزبیر در مکه، یافت.

رقم ۴۰۰ کشته از بنی قریظه از سوی ابو الزبیر محمد بن مسلم (د ۱۲۸ هـ) در مکه برای برخی شاگردانش (لیث بن سعد و ابو عمرو بن علاء) حداکثر تا اواخر دهه سوم قرن دوم نقل و از آن جا گسترش یافته است. روایتی که ابن هشام با سند ابو عبیده (د بین ۲۰۸ تا ۲۱۱ هـ)<sup>۳۲</sup> از ابو عمرو مدنی<sup>۳۳</sup> نقل می‌کند را می‌توان شاهدی بر این مطلب دانست. در آغاز روایت یاد

۲۹. مزی، ۲۵۹/۲۴ - ۲۶۲.

۳۰. همو، ۵۳۰/۲۳.

۳۱. همو، ۲۶۰/۲۴ به بعد.

۳۲. به قرینه ابن هشام، ۳۱/۱، ۴۱، ۶۶ و دیگر مواضع از سیره ابن هشام، مقصود از ابو عبیده به احتمال بسیار معمر بن المثنی یعنی عالم لغت و ادب است. در مواردی دیگر نیز ابن هشام از ابو عبیده نقل می‌کند (همو، ۱/۲۶؛ نک. ابن کثیر، البدایة، ۴/۱۰؛ ۵۸/۴؛ ۵/۳۰۰). در مواردی نیز عیناً همین سند یعنی ابو عبیده از ابو عمرو الدانی را می‌آورد. (همو، ۵۳۱/۲؛ ۵۷۰/۲).

۳۳. بر اساس استقراء انجام شده در سیره ابن هشام، افزون بر این مورد، تنها در یک جای دیگر ابن هشام روایتی را با سند ابو عبیده - ابو عمرو نقل می‌کند که موضوع آن درباره تعداد کشتگان بدر است و آن را ۷۰ تن شمرده است (همو، ۷۱۴/۱). در دیگر موارد که عمدتاً نقل اشعار است، سند روایت در ابو عبیده قطع می‌شود. گذشته از این، مزی، ابو عمرو مدنی را در زمره استادان ابو عبیده نمی‌آورد (نک. مزی، ۳۱۷/۲۸ به بعد). از این رو می‌توان حدس زد مقصود از ابو عمرو



شده، به گردن زدن قرظیان به دست اوس و خزرج پرداخته و به «حدود ۴۰۰ تن» جمعیت قرظی تصریح شده است که پیامبر آنان را به خزرج سپرد تا گردن بزنند. در ادامه می‌گوید تنها دوازده تن از قرظیان باقی مانده بودند که به اوس تحویل شده و مردان اوسی دو به دو، یک فرد قرظی را گردن زدند.<sup>۳۴</sup> رویان سند روایت ابن هشام، یکی ابو عبیده معمر بن مثنی (د بین ۲۰۸ تا ۲۱۱ هـ) اهل بصره بوده است. دیگری ابو عمرو بن علاء (د ۱۵۴/۱۵۷ هـ) که در نسخه موجود از سیره ابن هشام، به اشتباه ابو عمرو مدنی ضبط شده،<sup>۳۵</sup> نیز در مکه متولد شد، در بصره زیست و در کوفه از دنیا رفت. اگر از احتمال برساختن رقم یاد شده به دست ابو عبیده بگذریم،<sup>۳۶</sup> در این جا دو فرض دیگر وجود دارد؛ نخست این که بگوییم ابو عبیده بصری آمار یاد شده را از لیث گرفته، اما آن را پنهان کرده و به استادش ابو عمرو نسبت داده و یا این که ابو عمرو خود از لیث گرفته ولی به آن اشاره نکرده است. فروض یاد شده پذیرفتنی نیست، زیرا قرینه‌ای بر درستی اش نمی‌شناسیم و به بهره‌بردن ابو عبیده یا ابو عمرو از لیث در منبعی اشاره نشده است.<sup>۳۷</sup> دو دیگر آن که ابو عبیده از ابو عمرو و او نیز از استادش ابوالزبیر<sup>۳۸</sup> در مکه شنیده است. گرچه ساختار روایت در طریق لیث با آنچه ابن هشام نقل کرده، متفاوت است، هر دو بر عدد ۴۰۰ کشته قرظی اتفاق نظر دارند. در واقع، ممکن است ابو عمرو عدد یاد شده را از ابوالزبیر گرفته باشد و بخش دیگر روایت را از فردی دیگر و از آن جا که روایتش تلفیقی

---

در روایت یاد شده، همان ابو عمرو بن علاء است که از استادان ابو عبیده دانسته شده (نک. ابن عساکر، ۴۲۳/۵۹؛ مزی، ۳۱۶/۲۸؛ ۱۲۲/۳۴) و در این جا به ابو عمرو مدنی تغییر یافته و اصطلاحاً ادراج صورت گرفته است. جالب است بدانیم در منابع روایی، افراد متعددی به ابو عمرو مدنی مشهور بوده‌اند که احتمالاً همین امر، موجب شده ابن هشام یا راوی اش گمان کند مقصود از ابو عمرو، در این جا نیز وصف «مدنی» دارد.

۳۴. ابن هشام، ۵۹/۲.

۳۵. نک. پاورقی ۳۱.

۳۶. دلیلی برای این فرض در دست نیست.

۳۷. برای نمونه، نک. ابن عساکر، ۴۲۳/۴۹.

۳۸. برای نمونه، نک. همو، ۱۰۳/۶۷-۱۰۴.

از دست کم دو روایت است، از راوی اصلی یاد نکرده است. از شیوه روایت داستان که گسست اجزا دارد هم می‌توان چنین احتمال داد که حاصل ادغام بیش از یک روایت است: «لما ظفر رسول الله صلی الله علیه وسلم ببني قريظة أخذ منهم نحواً من أربع مائة رجل من اليهود/ وکانوا حلفاء الأوس علی الخزرج، فأمر رسول الله صلی الله علیه وسلم بأن تضرب أعناقهم فجعلت الخزرج تضرب أعناقهم و يسرهم ذلك...». در آغاز به پیروزی رسول خدا (ص) بر یهودیان بنی قریظه و اسارت حدود ۴۰۰ تن از مردان یهودی پرداخته و در ادامه به هم‌پیمانی آنان با اوس اشاره می‌کند. آن‌گاه فرمان رسول خدا (ص) به گردن زدن آنان و اقدام خزرج به این کار بیان می‌شود. می‌توان گفت بخش دوم جدا از بخش نخست است و بخش سوم نیز گرچه تکمله‌ای بر بخش نخست به‌شمار می‌شود، تکرار «رسول الله» و عدم استفاده از ضمیر، می‌تواند شاهی بر جدا بودن آن از بخش قبل باشد. در این صورت، کمی زودتر از لیث، ابو عمرو تا پیش از ۱۵۴/۱۵۷ هـ (سال مرگ او) در عراق (بصره) به بیان رقم یاد شده برای ابو عبیده پرداخته است؛ اما کمی بعدتر لیث اثرگذارتر توانست آن را در میان شاگردانش در بغداد ترویج نماید. اگر سخن برخی منابع مبنی بر حج گزاردن لیث در سال ۱۱۳ هـ و دیدار وی با ابوالزبیر در مکه<sup>۳۹</sup> را بپذیریم، احتمالاً لیث در همان زمان روایت را از ابو الزبیر شنیده است. نتیجه این که به احتمال زیاد، ابو الزبیر حلقه مشترک اصلی آمار ۴۰۰ کشته قرظی است که آن را پیش از سال ۱۲۸ هـ برای دست‌کم دو شاگرد خویش لیث و ابو عمرو در مکه انتشار داده است. آن دو نیز بعدها در بغداد و بصره برای شاگردان خویش بیان کرده‌اند و از آن‌جا رواج یافته است. (نمودار ۲)

## ۲.۲. روایت ۴۰ کشته

رقم ۴۰ کشته تنها از سوی ابن زنجویه (د ۲۴۷/۲۵۱ هـ) به صراحت و از سوی ابو عبید قاسم بن سلام (د ۲۲۴ هـ) با اسم کنایه عددی «کذا وکذا» نقل شده است. ابن زنجویه در حدیثی با

۳۹. مزی، ۲۴/۲۶۵؛ ۲۶/۴۰۹-۴۱۰.

سند عبدالله بن صالح (د ۲۲۲/۲۲۳هـ) - لیث بن سعد (۹۴-۱۷۵هـ) - عقیل (د بین ۱۴۱ تا ۱۴۴هـ) - ابن شهاب زهری (د ۱۲۴هـ) نقل می‌کند رسول خدا(ص) به سوی بنی قریظه روانه شد و آنان را محاصره کرد تا این که به حکم سعد بن معاذ تن دادند. او حکم کرد مردان قرظی کشته و فرزندان و دارایی‌هایشان تقسیم شوند. در نتیجه ۴۰ مرد جز عمرو بن سعد/سعدی، که [در جنگ احزاب] بنی قریظه را به وفاداری با پیامبر(ص) و دوری از فریب‌کاری فرا می‌خواند، کشته شدند.<sup>۴۰</sup> همین ساختار سند و متن را ابو عبید نیز نقل کرده است، با این تفاوت که شمار کشتگان را مبهم به صورت «کذا وکذا رجلاً» می‌آورد.<sup>۴۱</sup> جست‌وجو در دیگر منابع برای یافتن ردپایی از روایت یاد شده بی‌نتیجه ماند. گفتنی است ابو عبید و ابن زنجویه، هر دو از شاگردان عبدالله بن صالح شمرده می‌شوند.<sup>۴۲</sup> در عین حال، ابن زنجویه شاگرد ابو عبید هم بوده و در مصر از او حدیث شنیده و کتابت کرده است.<sup>۴۳</sup> می‌توان گفت به احتمال زیاد سند واقعی بوده و روایت از عبدالله بن صالح گرفته شده است. (نمودار ۳) در واقع، دلیلی نداریم ابن زنجویه از ابو عبید گرفته و با نسبت دادن مستقیم به عبدالله، منبع اولیه خود را پنهان کرده باشد. به هر حال، سرمنشأ رقم ۴۰ کشته، همچنان قابل شناسایی نیست.

شماره به ۴۰ کشته را نمی‌توان چه از نظر سندی و چه محتوایی، دارای قدمت و اصالت دانست. منابع رجالی، گرچه عبدالله را از لحاظ حدیثی متبخر شمرده‌اند، به وقوع غلط در سند و متن روایات او اشاره کرده‌اند. همچنین از وی نقل کرده‌اند که تنها کتاب یحیی بن سعید را سماع کرده است.<sup>۴۴</sup> جالب است یادآوری کنیم ابو عبید در الاموال روایت ۴۰۰ کشته را با واسطه عبدالله بن صالح از لیث نقل می‌کند،<sup>۴۵</sup> اما چنان که می‌دانیم ساختار دو روایت، هیچ

۴۰. ابن زنجویه، ۲۹۹/۱.

۴۱. ابو عبید، ۲۰۳/۱-۲۰۴.

۴۲. مزی، ۱۰۰/۱۵.

۴۳. نک. مزی، ۳۹۳/۷-۳۹۴.

۴۴. همو، ۹۸/۱۵-۱۰۷.

۴۵. ابو عبید، ۲۰۳/۱.

شبهاتی به هم ندارد. مجموع گزارش از رجال حدیث و ساختار نایاب آن در دیگر منابع، گواهی می‌دهد از اشاره به ۴۰ کشته قرظی، مدرکی قابل ارائه و پذیرفتنی در دست نیست. حال با توجه به اختلاف یاد شده، نخست می‌توان احتمال داد رقم یاد شده از سوی عبدالله بیان گردیده و ابو عبید به دلیلی از جمله غریب بودنش در بین دیگر ارقام، با ایجاد تغییری، به صورت مبهم آورده است. در این صورت، ابن زنجویه امانتدارانه آن را نقل می‌کند. دو دیگر این‌که عبدالله مغایر با رقمی که ابن زنجویه نقل می‌کند (غیر از ۴۰ کشته)، روایت گفته و چه بسا ابن زنجویه به گنجاندن رقم یاد شده در روایت اقدام کرده باشد. نتیجه این که برای عدد ۴۰ کشته قدمتی پیش از نیمه نخست قرن سوم در بغداد قابل اثبات نیست و شاهدی برای شیوع آن نیز موجود نیست.

### ۲.۳.۶۰۰ کشته

شمار ۶۰۰ کشته قرظی هم به صورت مسند و هم فاقد سند گزارش شده است. بیهقی با دو طریق به موسی بن عقبه (د ۱۴۱هـ) و ابن شهاب زهری (د ۱۲۴هـ) ضمن بیان داستانی از حکمیت سعد بن معاذ تا قتل عام جنگاوران قرظی، شمار آنان را ۶۰۰ تن بیان می‌کند.<sup>۴۶</sup> از میان اقوال گوناگون که ابن اسحاق بدان‌ها دسترسی داشته، وی با تردید و بدون یادکرد از منبع خویش، یکی از دو قول ۶۰۰ یا ۷۰۰ تن را برگزیده است.<sup>۴۷</sup> به نظر می‌رسد او در پذیرش همراه با تردید ۶۰۰ یا ۷۰۰ کشته، به ترتیب بر دو قول مشهور در مدینه و کوفه اعتماد کرده است. همچنین واقدی از عبدالرحمن بن عبدالعزیز (د ۱۶۲هـ) و او از عبدالرحمن بن ابی بکر بن

۴۶. ابن عقبه، ۲۲۵-۲۲۶؛ بیهقی، ۱۸/۴-۲۰. گرچه نسخه‌های مغازی موسی بن عقبه از بین رفته است، برخی کوشیده‌اند بر اساس منابعی دیگر که از ابن عقبه نقل می‌کنند، مغازی او را بازسازی کنند. بیهقی در دلائل النبوة از جمله کسانی است که بخش‌هایی از مغازی وی را نقل کرده‌اند.

۴۷. ابن هشام، السیرة النبویة، ۲/۲۴۱. درباره دیدگاه ۷۰۰ تن کشته، کمی بعدتر سخن خواهیم گفت.

محمد بن عمرو بن حزم (د ۱۳۰ یا ۱۳۵هـ)<sup>۴۸</sup> تعداد ۶۰۰ کشته را نقل می‌کند.<sup>۴۹</sup> می‌دانیم ابن حزم استاد ابن اسحاق نیز بوده است.<sup>۵۰</sup> از این رو، احتمال برگرفتن شاگرد از استاد در این موضوع وجود دارد. نیز می‌دانیم ابن اسحاق از ابن عقبه نقل نکرده و در پاره‌ای امور با وی اختلاف داشته است.<sup>۵۱</sup> بر این اساس، می‌توان احتمال داد شباهت نقل آن دو به سبب آن است که هر دو از استاد مشترکشان ابن شهاب زهری نقل می‌کنند. از آنجا که ابن حزم نیز هم دوره و شاگرد زهری دانسته شده<sup>۵۲</sup> به احتمال بسیار، عبد الرحمن بن عبدالعزیز در نسبت دادن به ابن حزم صادق بوده<sup>۵۳</sup> و خاستگاه نقل ابن حزم نیز ابن شهاب بوده است. بدین ترتیب، نظری که شمار کشتگان قرظی را ۶۰۰ تن دانسته، دست‌کم در ربع نخست قرن دوم از سوی ابن شهاب بی‌واسطه برای سه تن از شاگردانش ابن حزم، موسی بن عقبه و ابن اسحاق در مدینه بیان شده و یا ابن اسحاق با واسطه ابن حزم از ابن شهاب نقل کرده است.<sup>۵۴</sup> طبرسی نیز شمار یاد شده را ضمن داستان حکمیت سعد بن معاذ به نقل از زهری آورده که تأییدی بر شیوع آن

۴۸. ثقة ثبت (مزی، ۳۴۹/۱۴).

۴۹. واقدی، ۵۱۷/۲؛ نیز نک. طبرسی، ۵۵۳/۸.

۵۰. مزی، ۴۰۷/۲۴-۴۰۸.

۵۱. ابن هشام، سیرت رسول الله، ۱۳ «مقدمه».

۵۲. مزی، ۳۵۰/۱۴.

۵۳. گرچه عبد الرحمن بن عبد العزیز مدنی از ابن شهاب و ابن حزم هر دو نقل می‌کند، در این‌جا مستقیم از ابن شهاب نقل نکرده و روایتش را به ابن حزم مستند ساخته است. بسیار بعید است کار او را جعلی عامدانه بدانیم (نک. ذهبی، الکاشف، ۱/ ۶۳۵؛ مزی، ۱۷/ ۲۵۴). ذهبی عبد الرحمن را صادق دانسته است: «صديق قد لین» (همو، المغنی، ۱/ ۶۰۶) گرچه از نظر ضبط، سست شمرده شده اما ضعف او به گونه‌ای نیست که به کلی او را نامعتبر سازد. اگر راوی دیگری که در طبقه وی قرار دارد همان روایت را از شیخ واحد روایت کند، به سبب چنین متابعتی، حدیث وی به مرتبه «حسن لغیره» می‌رسد.

۵۴. شهیدی، ۹۴.

از سوی زهری است.<sup>۵۵</sup> (نمودار ۴)

### ۳. گزارش‌های غیر مسند از جمعیت کشته‌شدگان بنی قریظه

در میان ارقام غیر مسند با دو گونه آمار روبه‌رو هستیم:

۳. ۱. گاه آماری در نگاه نخست و بنا به نقل منابع، فاقد سند به‌نظر می‌رسد، اما با تتبع و دقت می‌توان خاستگاهی قدیم‌تر برای آن یافت. چنان‌که پیشتر گفته شد، ابن اسحاق شمار کشتگان را ۶۰۰ یا ۷۰۰ تن نقل کرده است. بر پایه برخی شواهد می‌توان حدس زد ابن اسحاق در پذیرش نقل ۷۰۰ تن کشته قرظی به ابوالنضر محمد بن سائب کلبی کوفی (د ۱۴۰/۱۴۶هـ) اعتماد کرده است. سمرقندی (د ۳۷۳هـ) به کلبی نسبت داده که شمار کشتگان ۷۰۰ تن بوده است.<sup>۵۶</sup> از آن‌جا که ابن اسحاق از استادش کلبی بین سال‌های ۱۱۵ تا ۱۴۲ق حدیث نقل می‌کند،<sup>۵۷</sup> می‌توان حدس زد در پذیرش نقل ۷۰۰ تن کشته نیز به کلبی اعتماد کرده است.<sup>۵۸</sup> بنابراین ابن اسحاق احتمالاً بین سال‌های یاد شده پس از آن‌که از مدینه هجرت کرده و پیش از ترک کوفه، آن را از کلبی شنیده است.<sup>۵۹</sup>

۵۵. برای نمونه، نک. طبرسی، ۸/ ۵۵۲-۵۵۳؛ قس. شهیدی، ۹۴: «زهری حکمیت سعد را می‌نویسد، اما از شمار محکومان چیزی ننوشته است؛ تنها قتل حیی بن اخطب را تصریح کرده است.»

۵۶. سمرقندی، ۳/ ۵۷.

۵۷. رازی، ۷/ ۲۷۰-۲۷۱؛ مزی، ۲۴/ ۴۰۹. ابن اسحاق از کلبی حدیث نقل می‌کرد اما از آن‌جا که نمی‌خواست کلبی به سبب اعتقادات خاصش به مثابه استادش شناخته شود، از او با عنوان «ابو النضر» یاد می‌کرد (سمعانی، ۵/ ۸۶).

۵۸. شاید عدم یاد کرد ابن اسحاق از استادش کلبی، به سبب تضعیف او از سوی دیگران باشد، اما باید دانست، ظاهراً سبب ضعیف شمردنش، ارادتی بوده که به اهل بیت (ع) داشته است (نک. عقیلی، ۴/ ۷۶-۷۷؛ مزی، ۲۵/ ۲۴۸).

۵۹. ابن اسحاق پس از ترک مدینه به شهرهای کوفه، جزیره، ری و بغداد سفر کرده است (ابن سعد، ۷/ ۲۳۳).

افزون بر این، پاره‌ای منابع متأخر همچون فتح الباری<sup>۶۰</sup> و عمدة القاری،<sup>۶۱</sup> به نقل از قتاده بصری (۶۱- ۱۱۷/۱۱۸ هـ) و او از بشر بن عائد بصری<sup>۶۲</sup> نقل کرده‌اند که شمار کشتگان را ۷۰۰ تن دانسته‌است. گرچه اصالت گزارش اخیر را منبع دیگری تأیید نمی‌کند، پذیرش انتساب آن تا قتاده نیز چندان دور از ذهن نیست؛ در دوره‌ای که آمارها درباره شمار کشتگان در حال گسترش بود، قتاده نیز یکی از اقوال موجود را نقل کرده‌است. با این حال، شاهدی در دست نیست تا ارتباط بین کلبی کوفی، راوی گزارش پیشین، با قتاده یا بشر بصری (راویان گزارش فعلی) را درباره شمار ۷۰۰ کشته توضیح دهد. در واقع، نمی‌دانیم آیا هر دو سند راوی واحد داشته‌اند یا اشتراکشان در عدد ۷۰۰ کشته تصادفی است. افزون بر این، مؤلف تفسیر قمی نیز شمار بنی قریظه را ۷۰۰ تن دانسته‌است<sup>۶۳</sup> که منشأ آن نیز روشن نیست.

بر پایه نقلی که واقدی (د ۲۰۷/۲۰۹ هـ) از موسی بن عبیده (د ۱۵۲/۱۵۳ هـ) -محمد بن منکدر (د ۱۳۰/۱۳۱ هـ) آورده، شمار کشتگان قرظی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ تن بوده‌است.<sup>۶۴</sup> ابن سعد کاتب واقدی (د ۲۳۰ هـ) نیز همین رقم را بدون سند و البته به احتمال زیاد متأثر از استادش واقدی آورده‌است.<sup>۶۵</sup> اگر درستی انتساب یاد شده را بپذیریم، از آن‌جا که هر دو راوی اهل مدینه بوده‌اند و ابن اسحاق از ابن منکدر روایت نقل می‌کرده،<sup>۶۶</sup> بعید نیست ابن اسحاق در ترجیح همراه با تردید یکی از دو رقم یاد شده (۶۰۰ یا ۷۰۰ کشته)، افزون بر زهری و

۶۰. عسقلانی، فتح الباری، ۳۱۷/۷.

۶۱. العینی، ۱۹۱/۱۷.

۶۲. گرچه برخی قتاده را در زمره شاگردان بشر به‌شمار آورده‌اند (مزی، ۴۹۹/۲۳؛ بخاری، التاريخ الكبير، ۷۹/۲؛ ذهبی، الکاشف، ۲۶۸/۱)، برخی تصریح کرده‌اند بشر در زمانی از دنیا رفته که قتاده او را ندیده‌است (مغلطای بن قلیح، ۴۰۵/۲) بشر توثیق شده‌است (عسقلانی، تقریب التهذیب، ۱۲۹/۱).

۶۳. قمی، ۱۶۸/۱.

۶۴. واقدی، ۵۱۸/۱.

۶۵. ابن سعد، ۵۸/۲.

۶۶. مزی، ۵۰۴/۲۶.

کلبی<sup>۶۷</sup> از محمد بن منکدر نیز متأثر بوده باشد. تنها ایراد بر احتمال یاد شده، تأکید نقل واقدی بر شمار کشتگان بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ تن و تردید ابن اسحاق بر ۶۰۰ یا ۷۰۰ است. ضمن این که آمار ۷۰۰ کشته، قول کوفی است و دلیلی در دست نداریم در دوره مشابه، در مدینه نیز شیوع داشته است. به همین رو، بهتر است احتمال دیگر پیش گفته را اولویت بخشیم که بر اساس آن، ابن اسحاق در پذیرش همراه با تردید ۶۰۰ یا ۷۰۰ کشته، به ترتیب بر دو استاد مدنی و کوفی اعتماد کرده است. گرچه در هر حال، این احتمال منتفی نیست که محمد بن منکدر نیز آمار ۶۰۰ کشته را نقل کرده اما تغییر یاد شده در نسل پس از او رخ داده است. افزون بر این، احتمال تأییدنشده دیگری هم هست؛ خاستگاه نظر<sup>۶۸</sup> ۶۰۰ تن کشته را یک نسل قبل و عروۀ بن زبیر (د ۹۴ هـ) بدانیم که استاد مشترک محمد بن منکدر<sup>۶۸</sup> و ابن شهاب زهری بوده است؛ اما تاریخ گذاری یاد شده بدین شکل که قول ۶۰۰ کشته را به یک نسل پیش برسانیم و نیز کشف ارتباط نقل واقدی با کلبی کوفی، نیازمند قرائنی است که از آن بی بهره ایم. بنابراین، تاریخ گذاری روایت یاد شده از واقدی با توجه به قرائن موجود امکان پذیر نیست.

۳. ۲. گونه دوم از آمارها بدون سند به دست ما رسیده اند. در منابع تاریخی، روایی و تفسیری عمدتاً مربوط به قرون بعدی، آمارها متفاوت و متنوع تر اما غالباً بدون نام و نشانی از گوینده آن نقل شده و نمی توان تاریخ شیوع اغلب آن ها را تعیین کرد.

۳. ۲. ۱. واقدی، قدیم ترین منبع در دسترس، به صورت مرسل از ابن عباس نقل می کند شمار کشتگان ۷۵۰ تن بوده است.<sup>۶۹</sup> همین شماره بعدها از سوی یعقوبی (د ۲۸۴ هـ) - بی

۶۷. پیش تر به آن دو پرداختیم.

۶۸. همو، ۵۰۴/۲۶.

۶۹. واقدی، ۵۱۸/۲.



آن که به کسی نسبت دهد\_ نیز پذیرفته و نقل شده است.<sup>۷۰</sup> حلبی نیز هنگام روایت تلاش حبی بن اخطب برای متقاعد ساختن قریش جهت به راه انداختن احزاب و دلگرم ساختنشان نسبت به همراهی بنی قریظه، از شمار ۷۵۰ جنگاور قرظی یاد می کند.<sup>۷۱</sup> ساختار مفصل و داستانی روایت حلبی، حاصل روایات متعددی است که احتمالاً در شمار قرظیان از روایت منسوب به ابن عباس بهره گرفته است.

۳. ۲. ۲. ۴۵۰ کشته و ۶۵۰ اسیر زن و کودک.<sup>۷۲</sup>

۳. ۲. ۳. ۴۵۰ کشته و ۷۵۰ اسیر.<sup>۷۳</sup>

۳. ۲. ۴. بر اساس گزارشی از مغازی ابان بن عثمان احمر (د ۱۷۰هـ)، هنگامی که اسیران را آوردند، در خانه ای محبوس کرده و دوده تن را پیش آوردند که اولی را علی (ع) و دومی را زبیر گردن زدند. دیگر یاران پیامبر (ص) نیز هر کدام، یک یا دو تن را کشتند.<sup>۷۴</sup> ابن شهر آشوب (د ۵۸۸هـ) نخست از ۴۵۰ کشته و سپس از ۷۰۰ مرد سخن می گوید که ده تن را علی (ع) و ده تن را زبیر کشتند. هر یک از صحابه نیز یک یا دو تن را کشتند.<sup>۷۵</sup> محتمل است ابن شهر آشوب بخش پایانی گزارش خود را از ابان گرفته است. لازمه گزارش ابان این است که جمعیت قبیله بنی قریظه به تنهایی باید بیش از جمیع یاران مدنی پیامبر (ص) بوده! و لاجرم باید شمار بسیاری

۷۰. یعقوبی می افزاید آنان را در دسته های ده نفری آورده و گردن زدند (یعقوبی، ۵۲/۲).

۷۱. حلبی، ۶۳۷/۲؛ نیز نک. همو، ۶۶۵/۲.

۷۲. به نقل از مقاتل (سمرقندی، ۵۷/۳) با این حال، در نسخه منتشر شده از «تفسیر مقاتل» از ۷۵۰ کشته یاد شده است (مقاتل، ۴۸۵/۳).

۷۳. طبرسی، ۵۵۳/۸.

۷۴. احمر، ۸۳.

۷۵. ابن شهر آشوب، ۱۷۳/۱.

کشته شده باشند؛ حتی بسیار بیش از آمارهایی که از قتل ۸۰۰ یا ۹۰۰ تن حکایت می‌کند؛ چنان‌که اگر شمار مسلمانان را حدود ۳۰۰۰ تن بدانیم<sup>۷۶</sup> مبالغه‌آمیز بودن تعبیر آشکار است. افزون بر این، آشفتگی و تعارض عبارات ابن شهر آشوب نیز روشن است.

۳. ۲. ۵. ۶۰۰ جنگاور و ۷۰۰ اسیر.<sup>۷۷</sup>

#### ۴. گزارش‌های همسو با ارقام کشتگان قرظی

ارقام یاد شده از کشتگان بنی‌قریظه با بسیاری دیگر از آمارها درباره شمار جمعیت گروه‌ها، دیگر قبایل شبه جزیره و به طور خاص مدینه و مکه، جنگاوران دیگر جنگ‌ها ناهماهنگ نیست و نسبتی معقول بین آن‌ها برقرار است. نمونه‌هایی از آمارهای یاد شده به قرار زیر است:<sup>۷۸</sup>

**اصحاب صفة:** منابع تفسیری شمار اصحاب صفة را حدود ۴۰۰ تن از مهاجران فقیر دانسته‌اند که شب‌ها به سکوه‌های ساخته شده در اطراف مسجد پیامبر پناه برده و می‌آرامیدند.<sup>۷۹</sup>

**غزوه بدر:** بر پایه روایاتی، شمار مسلمانان شرکت‌کننده در بدر ۳۱۳ یا ۳۱۴ تن بوده که ۲۷۰ تن از انصار و بقیه از مهاجران بوده‌اند.<sup>۸۰</sup>

۷۶. ابن سعد، ۲/۶۶.

۷۷. بیضاوی، ۴/۲۳۰؛ ابوحیان، ۸/۴۷۰.

۷۸. برای آماری منسجم و گردآوری شده از شمار مسلمانان مدینه از آغاز هجرت تا رحلت پیامبر(ص)، نک. ابن ادريس، ۱۳۱-۱۳۲.

۷۹. مقاتل، ۱/۲۲۴؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ۲/۲۷۵؛ طبرسی، ۲/۶۶۶.

۸۰. بیهقی، دلائل النبوة، ۳/۴۰.

بنی قینقاع: برخی منابع مردان آن را ۱۷۰۰<sup>۸۱</sup> و برخی دیگر ۴۰۰ تن دانسته‌اند.<sup>۸۲</sup>  
غزوه احد: شمار مشرکان در احد ۳۰۰۰ تن بود که ۷۰۰ نفر زره پوش، ۲۰۰ اسب، ۳۰۰۰ شتر و ۱۵ زن شرکت داشتند. شمار مسلمانان نیز ۱۰۰۰ تن بود که ۳۰۰ تن همراه با ابن ابی برگشتند و ۷۰۰ تن با پیامبر باقی ماندند. شمار زره پوشان را ۱۰۰ نفر ذکر کرده‌اند.<sup>۸۳</sup>  
برخی نیز شمار باقی ماندگان را ۴۰۰ تن گفته‌اند.<sup>۸۴</sup>  
غزوه ذات الرقاع: در جنگ ذات الرقاع در سال چهارم هجری بنا به قولی ۴۰۰ و قول دیگر ۷۰۰<sup>۸۵</sup> و قول سومی ۸۰۰<sup>۸۶</sup> مسلمان شرکت کردند.  
غزوه احزاب: تعداد قریش در جنگ احزاب ۴۰۰۰ نفر بود، ۷۰۰ تن به فرماندهی ابوسفیان، ۷۰۰ تن از بنوسلیم، ۱۰۰۰ تن از فزاره، از اشجع و بنومره هر یک ۴۰۰ نفر و در مجموع همه احزاب ۱۰۰۰۰ تن گردید. مشرکان در جنگ یاد شده ۳۰۰ اسب و ۱۵۰۰ شتر به همراه داشتند و مسلمانان ۳۰۰۰ تن بودند.<sup>۸۷</sup>  
غزوة الغابة: در سال ششم رخ داد و شمار یاران پیامبر ۵۰۰ یا ۷۰۰ تن نوشته شده است.<sup>۸۸</sup> در هر یک از حمراء الاسد و بنی مصطلق نیز که در همین سال واقع شد، شمار مسلمانان را ۷۰۰ تن گفته‌اند.<sup>۸۹</sup>  
صلح حدیبیه: ۷۰۰ و بنا بر قول دیگر ۱۴۰۰ تن پیامبر را همراهی می‌کردند.<sup>۹۰</sup>

۸۱. ابن سعد، ۲/ ۳۰.

۸۲. مسعودی، ۲۰۶.

۸۳. ابن سعد، ۲/ ۲۸-۳۰؛ ابن طلحة، ۲۰۱.

۸۴. نک. ابن کثیر، السیرة، ۳/ ۲۵.

۸۵. ابن سعد، ۲/ ۴۷؛ ابن سید الناس، ۲/ ۷۳.

۸۶. نک. حلبی، ۲/ ۵۷۰.

۸۷. ابن سعد، ۲/ ۶۶؛ طبری، ۲/ ۵۷۰؛ ابن سید الناس، ۲/ ۳۵؛ ابن جوزی، ۳/ ۲۲۸.

۸۸. ابن سعد، ۲/ ۲۸-۳۰؛ ابن سید الناس، ۲/ ۷۳.

۸۹. ابن کثیر، السیرة، ۳/ ۱۰۱، ۲۹۷؛ حلبی، ۲/ ۵۵۱؛ بیهقی، دلائل النبوة، ۴/ ۴۶.

۹۰. ابن سید الناس، ۲/ ۱۱۳؛ ابن کثیر، السیرة، ۳/ ۳۱۳.

**فتح مکه:** در این سال، مهاجران ۷۰۰، انصار ۴۰۰۰، مزینه ۱۰۰۰، اسلم ۴۰۰، جهینه ۸۰۰ و هر یک به ترتیب، ۳۰۰، ۵۰۰، ۱۰۰، ۳۰ و ۵۰ اسب به همراه داشته و قبایل و جمعیت‌های شرکت‌کننده جمعاً ۱۲ هزار تن بوده‌اند.<sup>۹۱</sup> در فتح مکه از قبایل مختلف ۴۰۰ یا ۷۰۰ تن و در مجموع ۱۰ یا ۱۲ هزار نفر شرکت داشتند.<sup>۹۲</sup>

چنان‌که می‌بینیم آمارهای قبایل و یا شرکت‌کنندگان در جنگ‌ها با آنچه درباره شمار بنی‌قریظه گفته شده، تفاوتی آشکار ندارند و ارقامی بین ۴۰۰، ۷۰۰، ۱۰۰۰، ۱۴۰۰ تن را بیان کرده‌اند. آمارهای یاد شده، از ذهنیتی گرچه متأخر اما نسبتاً هماهنگ در میان ناقلان و مروجان حدیث درباره جمعیت قبایل صدر اسلام پرده برمی‌دارد؛ ضمن این که نمی‌توانسته با واقعیت‌های موجود در زمان ایشان و تعداد جمعیت قبایل بیگانه باشد. از این جا می‌توان فهمید افق دید راویان در حدود یک قرن پس از پیامبر(ص) درباره آمارها نسبتاً یکسان بوده و بعید است در بیان شمار کشتگان از سوی راویان و ناقلان در دوره شیوع و تدوین، جعلی عامدانه و با هدف بزرگ‌نمایی رخ داده باشد. در عین حال، باید بپذیریم افرادی می‌کوشیدند بنا به حدس خود آمارهای از کشتگان به دست دهند.

### ۵. تحلیلی بر اقوال مختلف درباره شمار کشته‌شدگان قرظی

با وجود آن که ابن اسحاق ارقام ۶۰۰ یا ۷۰۰ تن کشته را ترجیح می‌دهد و از بیشترین ارقام ذکر شده نیز یاد می‌کند، از سیاق گزارش او روشن می‌شود در زمان وی، اقوال گوناگونی درباره شمار کشتگان بر زبان‌ها جاری و مرسوم بوده‌است. وی پس از بیان دیدگاه خود درباره تعداد کشتگان، بیشترین شمار ذکر شده را بین ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن قرظی اعلام می‌کند: «... وهم

۹۱. حلبی، ۱۳/۳.

۹۲. طبری، ۱۱۹۳/۳؛ ابن کثیر، السیرة، ۵۸۷/۳. در این جا در صدد نیستیم آمارهای بیان شده را راستی آزمایی کنیم و تنها قصد داریم برآیندی کلی از ذهنیت عموم راویان قرون نخستین درباره جمعیت قبایل را به دست آوریم. بنابراین نیاز نداریم تک تک موارد یاد شده را مانند آمار قرظیان بررسی کنیم.

ست مائة أو سبع مائة، والمکثر لهم يقول: كانوا بين الثمان مائة والتسع مائة»؛<sup>۹۳</sup> در عین حال، از قائلان به آن سخنی به میان نمی‌آورد. از عبارت ابن اسحاق می‌توان فهمید پاره‌ای از آمارهایی که منابع بعدی گفته‌اند دست کم پیشینه‌اش به زمان ابن اسحاق برمی‌گردد؛ هر چند او دیگر اقوال را شایسته توجه ندانسته و به آن‌ها نپرداخته و یا حتی از برخی آن‌ها نامطلع بوده‌است. با وجود جست‌وجوی فراوان، اثری از ارقام یاد شده در دیگر منابع قرون نخست به دست نیامد. تنها شیخ مفید از ۹۰۰ مرد قرظی یاد می‌کند، اما او هم بیان نمی‌کند راوی قول یاد شده کیست؛<sup>۹۴</sup> روشن نیست آیا بر سخن ابن اسحاق یا مانند او اعتماد کرده یا وی به قول یاد شده همراه با قائلش دسترسی داشته و در میان اقوال گوناگون، آن را برگزیده‌است.

با این که گفتیم ابن اسحاق از اقوال گوناگونی درباره شمار قرظیان آگاه بوده، به قولی که قرظیان را ۴۰۰ تن شمرده، اشاره نمی‌کند. عدم یادکرد او یا ناشی از عدم اعتماد وی به راوی و یا ناآگاهی‌اش از قول یاد شده‌است. احتمال نخست، چندان درست به نظر نمی‌رسد، چرا که محدثان از جمله ترمذی<sup>۹۵</sup> و نسائی<sup>۹۶</sup> که در پذیرش روایت سخت‌گیرتر بودند، به آن اعتماد کرده‌اند. چنان که پیش‌تر گفتیم شماره ۴۰۰ قرظی پیش از سال ۱۲۸ در مکه و بعدها پس از ۱۶۱ در بغداد رواج یافته‌است. بدین ترتیب، ابن اسحاق (د ۱۵۱هـ) که در فاصله‌ای حدود ربع قرن پیش از آن، سیره‌اش را تدوین کرده، احتمالاً از روایت لیث (د ۱۷۵هـ) در بغداد و بصره و حتی ابوالزبیر (د ۱۲۸هـ) در مکه آگاه نبوده و قول ۴۰۰ تن کشته چند سال پس از مرگ ابن اسحاق به شهرت رسیده‌است.

جالب است توجه کنیم دست کم در منابع متقدم، آمار ۴۰۰ تن، بیشتر از سوی محدثان و فقیهان بازگو شده‌است، اما سیره‌نویسان و مورخان بر آمارهای دیگر که شمار بیشتری را ذکر

۹۳. نک. ابن هشام، ۲/۲۴۱؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ۲/۳۱۷.

۹۴. مفید، ۱۱۱.

۹۵. ترمذی، ۳/۷۱.

۹۶. نسائی، ۵/۲۰۶.

کرده، تکیه کرده‌اند. اقبال محدثان و فقیهان به ۴۰۰ تن را می‌توان معلول مسند و صحیح بودن روایت<sup>۹۷</sup> دانست، اما آمارهای دیگر از جنبه روش‌شناسی فقهی و حدیثی به سبب مسند نبودن (لااقل در نگاه نخست) حتی در قرون نخستین و یا بر فرض داشتن سند، به سبب ضعف راویان، قابل اعتماد نبوده‌است.

از مجموع نقل‌ها و اختلاف میان آن‌ها می‌توان فهمید تا دهه چهارم قرن دوم سخن از شمار کشته‌شدگان قرظی در بین راویان متفاوتی از مناطق مختلف اسلامی (مدینه، مکه، کوفه) و پس از آن، با اندکی تأخیر تا ربع سوم همین قرن در بغداد در حال گسترش بوده‌است. در این دوره که بحث از شمار کشتگان قرظی رونق داشته و به اختلاف‌نظرهای موجود انجامیده‌است، راویان مسلمان مسلم می‌دانستند که در جنگ یاد شده، همه مردان قرظی قتل عام شده‌اند. بر این اساس، این ادعا که نخستین بار ابن اسحاق متأثر از نوادگان قرظی، روایات کشتار یاد شده را نقل کرده و در نتیجه، روایات خاستگاهی یهودی دارد،<sup>۹۸</sup> نمی‌تواند پذیرفته شود.

همچنین وجود ارتباط میان اقوال مختلف و کشف خاستگاهی واحد برای آن، امکان‌پذیر نیست. گوناگونی گسترده در شمار کشتگان را می‌توان چنین توضیح داد که در دوره‌ای پس از آن که روایات کشتار بنی قریظه نسبتاً شیوع یافته بود، برخی راویان در پاسخ به این پرسش ولو مقدر که چه تعدادی از قرظیان کشته شده‌اند، حدس‌های خود را بیان کرده‌اند.<sup>۹۹</sup> آن‌گاه حدس‌های یاد شده نگاشته شده و به منابع حدیثی و تاریخی راه یافته‌اند. بر این اساس، اصل وقوع کشتار بنی قریظه دست‌کم یک نسل قبل از زمان شکل‌گیری و شیوع ارقام کشتگان در میان راویان مسلمان پذیرفته شده بوده‌است.

۹۷. البانی، ۳۸/۵.

98. Arafat, 101.

۹۹. این موضوع با تاریخ‌گذاری دیگر روایات مربوط به نبرد بنی قریظه قابل بررسی بوده و در پایان‌نامه دکتری نویسنده نشان داده شده که هسته اصلی روایات جنگ بنی قریظه لااقل یک نسل قبل رواج یافته‌است.

از بررسی اقوال و روایات و قرائن موجود، نمی‌توان به وجود انگیزه‌ای برای جعل آگاهانه آمارهای مختلف از کشتگان دست یافت. برای بررسی ادعای خود، نخست فرض می‌گیریم جعلی آگاهانه رخ داده‌است. رقم نسبتا بالای آمار کشتگان قرظی در منابع اسلامی می‌تواند دو انگیزه داشته باشد؛ یکی \_چنان‌که برخی گفته‌اند\_ آن که خاستگاه آمارها را غرض‌ورزانی از نسل بنی قریظه یا به‌طور کلی یهودیان و یا حتی حاکمان اموی بدانیم که با هدف مظلوم-نمایی یا نشان دادن سخت‌دلی پیامبر(ص) به جعل و انتشار چنین آمارهایی دست زده‌اند. برای نمونه، عاملی انگیزه‌های سیاسی و تعصبات دینی با هدف نمایاندن قساوت اسلام و پیامبر(ص) نسبت به یهود را سبب شماره‌های بسیار در یادکرد از کشتگان قرظی می‌داند.<sup>۱۰۰</sup> همچنین عرفات انگشت اتهام را به سوی ابن اسحاق دراز کرده و به ابن حجر نسبت می‌دهد که نقل می‌کند مالک بن انس، ابن اسحاق را به سبب نقل روایات شگفت از بازماندگان یهودیان در ماجرای بنی قریظه نکوهش می‌کرد.<sup>۱۰۱</sup> همین نسبت را ابن حبان (د ۳۵۴هـ) نیز پیش‌تر به نقل از ابوحاتم رازی (د ۳۲۷هـ) آورده بود.<sup>۱۰۲</sup> با بررسی‌هایی که انجام دادیم و از آن‌جا که خاستگاه آمارهای موجود، دست‌کم آن‌هایی که با سند و قابل تاریخ‌گذاری‌اند، مسلمانان غیر یهودی تباراند، بعید است آنان با انگیزه مظلوم‌نمایی به جعل شمار کشتگان مبادرت کرده باشند. افزون بر این، جست‌وجو در منابع فقهی و حدیثی نشان می‌دهد مؤلفان آن دست‌کم به برخی نوادگان قرظی از جمله محمد بن کعب قرظی (د ۱۰۸هـ) و مسور بن

۱۰۰. عاملی، ۱۴۸/۱۲-۱۴۹.

101. Arafat, 100-107.

با جست‌وجو در منابعی که عرفات ارائه کرده (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ۴/۴۵؛ ابن سید الناس، ۱/۷-۱۶) و نیز دیگر آثار ابن حجر، اثری از اشاره یا تصریح او و یا مالک بن انس به نکوهش از ابن اسحاق به سبب نقل روایات شگفت از بازماندگان یهودیان نیافتیم.

۱۰۲. ابن حبان، ۳۸۲/۷.

رفاعة (د ۱۳۸هـ) اعتماد و روایت آن‌ها را نقل کرده‌اند.<sup>۱۰۳</sup> از این رو، نواده قرظی بودن به تنهایی نه می‌تواند جرحی به ثقه بودن فرد وارد کند و نه اخبار مربوط به غزوه یاد شده را تضعیف سازد. تحلیل‌های امثال عاملی از ذهنیت امروزمین مسلمانان و متأثر از قوانین حقوق بشری و در واکنش به اشکالات مخالفان اسلام نسبت به پیامبر (ص) شکل گرفته‌اند؛ در حالی که در قرون گذشته، تصویری از اقدام یاد شده مبنی بر قساوت اسلام و پیشوایان آن وجود نداشته که عده‌ای با چنین هدفی آمارسازی کنند. با این توضیح، احتمال جعل از سوی حاکمان اموی نیز بی‌وجه می‌نماید.

انگیزه احتمالی دوم برای جعل آگاهانه آمارها آن که مسلمانانی با انگیزه نشان دادن شوکت و قدرت مسلمانان در مقابل دشمنانشان چنین کرده‌اند. باید توجه داشت در چشم اعراب، چنین قتل عامی وحشیانه نبود و نشان قدرت به‌شمار می‌رفت.<sup>۱۰۴</sup> تصریح ابن ابی‌الحدید به این که کشتار گسترده قرظیان نشان اعزاز دین و اذلال مشرکین است،<sup>۱۰۵</sup> مؤیدی بر فضای فکری موجود در سنت اسلامی نسبت به تفوق بر دشمنان و انگیزه‌های احتمالی برای بزرگنمایی و داستان‌پردازی در این باره است. شهیدی نیز در همین راستا بیان می‌کند اعراب می‌کوشیدند در داستان‌سرایی شنونده را مرعوب ساخته و داستان را بسیار مهم جلوه دهند.<sup>۱۰۶</sup> وجود انگیزه اسطوره‌سازی و جعل آمارهای مبالغه‌آمیز در ماجرای بنی‌قریظه لاف‌در

---

۱۰۳. مالک، الموطأ، ۲/ ۵۳۱؛ همو، المدونة الكبرى، ۲/ ۲۹۵؛ ابن حبان، ۹/ ۴۳۰؛ ضحاک، ۴/ ۲۵۵؛ بیهقی، السنن، ۷/ ۳۷۵. حاکم نیشابوری بیان می‌کند جز مالک بن انس، کسی از مسور حدیث نقل نکرده‌است (حاکم نیشابوری، ۶۶۰) و چنان‌که سیوطی گفته، در کتب سته روایتی ندارد (سیوطی، ۱۰۰) اما برخی مانند ابن حبان و ابن حجر او را توثیق کرده‌اند (ابن حبان، ۵/ ۴۳۶؛ عسقلانی، تقریب التهذیب، ۲/ ۱۸۴). ابن حجر هفت تن از شاگردان او از جمله مالک و محمد بن اسحاق را نام می‌برد (همان، ۱۰/ ۱۳۶). پاره‌ای منابع دیگر نیز از او روایت نقل کرده‌اند: شافعی، ۵/ ۲۶۴؛ ابن حنبل، ۲/ ۳۷۹؛ حاکم نیشابوری، ۳/ ۴۱۳، ۴۱۹؛ صنعانی، ۶/ ۳۶۱؛ طبرانی، ۱۹/ ۱۵۶.

104. See. Watt, 1A/ 49.

۱۰۵. ابن ابی‌الحدید، ۱۶/ ۲۹۱.

۱۰۶. شهیدی، ۸۹.



دوره‌ای که آمارهای یاد شده شیوع یافته، نیازمند بررسی بیشتر است. قطعاً نمی‌توان گفت گرایش به غلو در اعداد سبب شده است ابن اسحاق آمارهای ۶۰۰ یا ۷۰۰ تن را برگزیند چرا که در این صورت، شایسته بود، قول ۹۰۰ تن را برگزیند. افزون بر این، مقایسه آمار کشتگان قرظی با دیگر آمارهای مربوط به جنگ‌ها و قبایل در صدر اسلام، احتمال جعل و غلوّ درباره آن را کاهش می‌دهد. در عین حال، ژند بودن اعداد و به کار بردن اعداد کثرت، می‌تواند نشانه‌ای بر صدق این ادعا باشد که ناقلان ارقام کشتگان عمدتاً قصد نداشته‌اند واقع‌گویی و عدد دقیق آن را تعیین کنند.

برخی پژوهشگران ارقام بیان شده درباره شمار کشتگان جنگ‌ها را حاصل مبالغه مورخان دانسته و به اشتباه، بیان می‌کنند دامن محدثان از آن رو که با معیارهای نقد حدیث دست به گزینش می‌زدند، از اتهام یاد شده مبرا است. ایشان خودداری اصحاب صحاح به جز ترمذی و نسائی از تعیین شمار کشتگان را شاهدهی بر ادعای خویش شمرده‌اند.<sup>۱۰۷</sup> گرچه عدم اعتماد محدثان به مورخان به‌طور کلی پذیرفته است، سبب عدم یاد کردن ایشان از شمار مقتولان را بیش از این باید در عدم کارکرد فقهی روایات مربوط به شمار کشتگان دانست. در عین حال، باید توجه داشت مسلماً اصل کشتار دسته‌جمعی قرظیان را عموم محدثان و فقیهان پذیرفته‌اند. به همین رو است که صحنه‌هایی از ماجرا همچون حکمیت سعد بن معاذ انصاری و بلوغ‌آزمایی نوجوانان بنی قریظه در همه منابع حدیثی مهم بازتاب یافته و نقل شده است.<sup>۱۰۸</sup>

## ۶. نتیجه

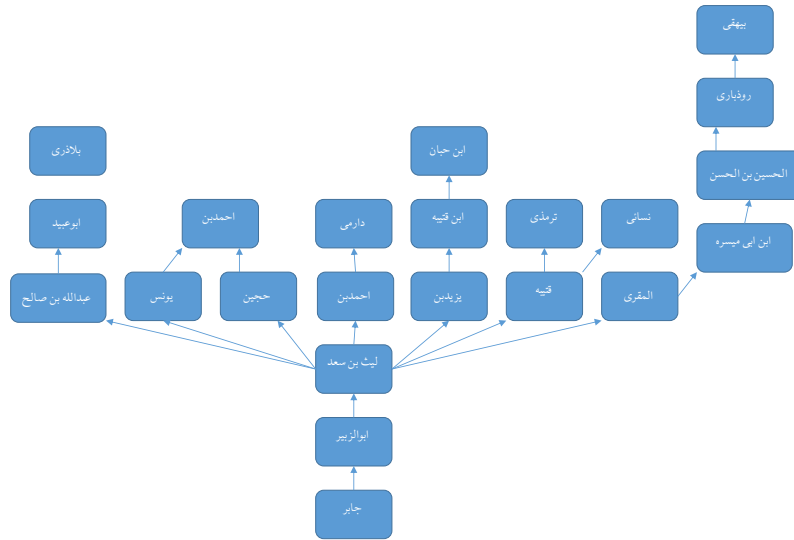
با بررسی روایات موجود در قدیم‌ترین منابع درباره شمار کشتگان قرظی روشن شد رقم ۴۰۰

---

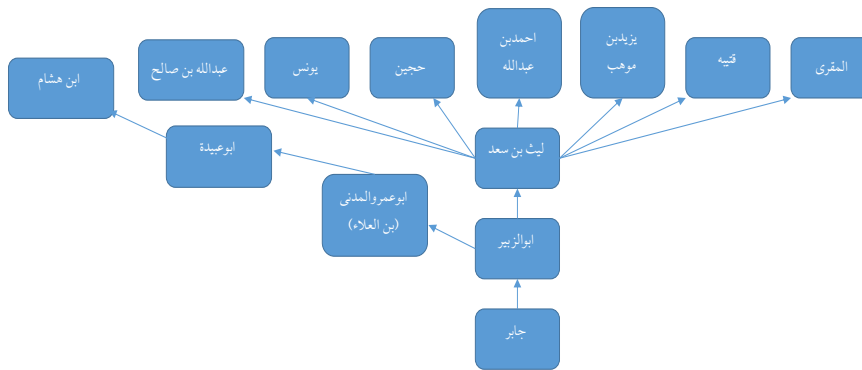
۱۰۷. اکبرآبادی، ۱۷۹/۲ - ۱۸۰.

۱۰۸. برای نمونه، نک. بخاری، صحیح، ۵/۵؛ مسلم، ۵/۱۶۰؛ نسائی، ۳/۳۵۹؛ ترمذی، ۳/۷۲؛ ابن حبان، ۱۱/۱۰۴؛ ابن حنبل، ۴/۳۱۰، ۳۸۳ و ... نویسنده در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان «مطالعه انتقادی روش‌های نقل و تحلیل روایات اسلامی: جنگ بنی قریظه» به موضوع یاد شده پرداخته و آن را نشان داده است.

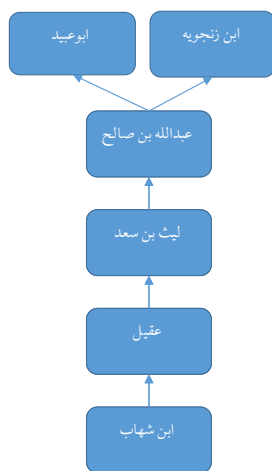
کشته در ربع سوم قرن دوم در بغداد از سوی لیث و پیش از آن، تا دهه سوم قرن دوم در مکه از طرف ابو الزبیر شیوع یافته بود، اما تاریخ‌گذاری عدد ۴۰ کشته به پیش از نیمه نخست قرن سوم در بغداد ممکن نیست. ارقام ۶۰۰ کشته تا ربع نخست قرن دوم از سوی زهری در مدینه و ۷۰۰ کشته تا دهه چهارم قرن دوم از طرف کلبی در کوفه نقل شده و رواج یافته‌اند. گرچه منابع متأخرتر آمارهای متنوع دیگری را آورده‌اند، هیچ‌یک قابل تاریخ‌گذاری دقیق نیستند؛ اما بعید نیست خاستگاه لااقل برخی از آن‌ها به قرن دوم و سوم برسد. شواهد موجود نشان می‌دهد در هیچ‌یک از موارد، اثری از انگیزه برای جعل عامدانه و غرض‌ورزانه آمارها با هدف بزرگ‌نمایی وجود نداشته و ارقام موجود با ذهنیت راویان از شمار جنگاوران در دیگر جنگ‌های صدر اسلام و افراد قبایل سازگار بوده‌است. افزون بر این، ادعای خاستگاهی یهودی برای ارقام یاد شده و قائل شدن نقشی ویژه برای ابن اسحاق در شیوع آن، قابل پذیرش نیست. با این همه، ارائه آماری دقیق از تعداد کشته‌ها بنا به شواهد موجود غیر ممکن است و بررسی موضوع از نظر شرایط جغرافیای مدینه در صدر اسلام، چه بسا بتواند روشنی بیشتری بر موضوع افکنده و واقع‌نمایی آمارها را بیشتر تبیین کند. در عین حال، تعدد و تنوع آمارها می‌تواند قرینه‌ای بر غیر واقعی بودن آن‌ها باشد.



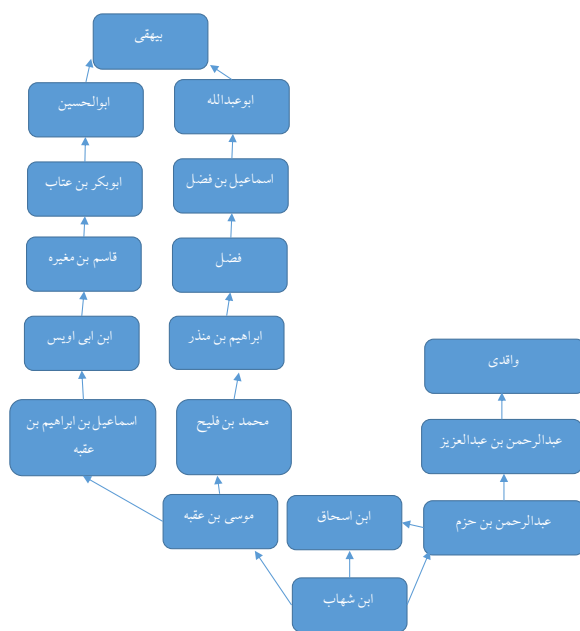
نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲



نمودار شماره ۳



نمودار شماره ۴

## کتابشناسی

- آقایی، سید علی، تاریخ‌گذاری حدیث؛ روش‌ها و نمونه‌ها، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۹۴ ش.
- آهنچی، آذر، «بنی قریظه»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
- احمر بجلی، ابان بن عثمان، المبعث والمغازی والوفاة والسقیفة والردة، به کوشش رسول جعفریان، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن، الجرح والتعديل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۱ ق.
- ابن ابی عاصم، ضحاک، الأحاد والمثانی، به کوشش باسم فیصل احمد الجوابرة، بیروت، دار الدراية للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۱ ق.
- ابن ابی الحديد، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ ق.
- ابن ادريس، عبدالله عبد العزيز، مجتمع المدينة فی عهد الرسول (صلی الله علیه وآله)، ریاض، عمارة شؤون المكتبات- جامعة الملك سعود، ۱۴۰۲ ق/ ۱۹۸۲ م.
- ابن جوزی، عبد الرحمن، المنتظم فی تاریخ الامم والملوک، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ ق.
- ابن حبان، محمد، الثقات، حیدرآباد، دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۳ ق.
- ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن زنجویه، حمید بن مخلد، الأموال، بیروت، ۱۴۲۷ ق.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م.
- ابن سید الناس، محمد بن عبد الله، عیون الأثر فی فنون المغازی والشمال والسير، بیروت، مؤسسة عرّ الدين للطباعة والنشر، ۱۴۰۶ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
- ابن طلحة، محمد، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، به کوشش ماجد بن احمد العطیة، بی تا.
- ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن، تاریخ مدينة دمشق، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۵ ق.
- ابن عقبه، موسی، المغازی، پژوهش و گردآوری محمد باقشیش، مکتبة دار المنهاج، بی تا.
- ابن کثیر، اسماعیل، البداية والنهاية، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- همو، السيرة النبوية، به کوشش مصطفی عبد الواحد، بیروت، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۳۹۶ ق.

- ابن وراق، اسلام و مسلماني، ترجمه مسعود انصاري، ١٣٧٨ ش.
- ابن هشام، عبد الملك، السيرة النبوية، به كوشش مصطفى السقا و ديگران، بيروت، دار المعرفة، بي تا.
- همو، سيرت رسول الله، ترجمه رفيع الدين اسحاق بن محمد همداني قاضي ابرقوه، به كوشش اصغر مهدوي، تهران، خوارزمي، ١٣٧٧ ش.
- ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط، بيروت، دار الفكر، ١٤٢٠ ق.
- ابوعبيد، قاسم بن سلام، الأموال، به كوشش محمد خليل هراس، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٨ ق.
- اداك، صابر، رحمت نبوي خشونت جاهلي، انتشارات كوير، تهران، ١٣٩٢ ش.
- اكبرآبادي، سعيد احمد، «بحث حول غزوة بني قريظة»، المؤتمر العالمي الثالث، به كوشش عبدالله بن ابراهيم الانصاري، بيروت، منشورات المكتبة العصرية، ١٤٠١ ق.
- الباني، محمد ناصر الدين، ارواء الغليل في تخريج احاديث منار السبيل، بيروت، المكتب الاسلامي، ١٤٠٥ ق.
- بخاري، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، ديار بكر، المكتبة الاسلامية، بي تا.
- همو، صحيح بخاري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠١ ق.
- بيضاوي، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل واسرار التأويل، به كوشش محمد عبد الرحمن مرعشلي، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٨ ق.
- بيهقي، احمد بن الحسين، دلائل النبوة ومعرفة احوال صاحب الشريعة، به كوشش عبد المعطي قلججي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٥ ق.
- همو، السنن الكبرى، بي جا، دار الفكر، بي تا.
- پارسا، فروغ، حديث در نگاه خاورشناسان، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ١٣٨٩ ش.
- ترمذي، محمد بن عيسى، سنن الترمذي، به كوشش عبد الوهاب عبد اللطيف، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٣ ق.
- ثعلبي، الكشف والبيان عن تفسير القرآن، به كوشش ابي محمد بن عاشور، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٢ ق.
- حاكم نيشابوري، ابو عبدالله محمد بن عبد الله، معرفة علوم الحديث، بيروت، منشورات دار الآفاق الحديث، ١٤٠٠ ق.
- حلي، السيرة الحلبية، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٠ ق.
- دارمي، عبدالله بن الرحمن، سنن الدارمي، دمشق، مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ ق.

- دشتی، علی، ۲۳ سال، به کوشش بهرام چوبینه، نسخه pdf.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الاسلام، به کوشش عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۹ق.
- همو، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الکتب الستة، به کوشش محمد عوامة احمد محمد نمر الخطیب، جدة، دار القبلة للثقافة الاسلامیة، ۱۴۱۳ق.
- همو، المغنی فی الضعفاء، به کوشش نور الدین عتر، قطر، دار الکتب العلمیة، بی تا.
- سامانی، سید محمود، «بنی قریظه»، دائرة المعارف قرآن کریم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
- همو، «بنی قریظه»، دانشنامه حج و حرمین شریفین، تهران، مشعر، ۱۳۹۲ش.
- سرمینی، محمد انس، «عقوبة اعداء بنی قریظه فی ضوء السیرة النبویة الصحیحة: دراسة حدیثیة تحلیلیة موضوعیة»، استانبول، مجلة جامعة الشارقة للعلوم الشرعیة والدراسات الاسلامیة، مجلد ۱۵، عدد ۱، ۱۴۳۹ق/ ۲۰۱۸م.
- سلام، محمود سلام، حصون خیر فی الجاهلیة وعصر الرسول، اسکندریة، منشأة المعارف، بی تا.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- سمعانی، عبد الکریم بن محمد، الانساب، به کوشش عبد الله عمر البارودی، بیروت، دار الجنان للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۰۸ق.
- سیوطی، جلال الدین، اسعاف المبطأ برجال الموطأ، به کوشش موفق فوزی جبر، بیروت، دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
- شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ق.
- شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ش.
- صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنف، به کوشش حبیب الرحمن اعظمی، بی تا.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، به کوشش حمدي عبد الحمید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم (ص)، قم، دار الحدیث للطباعة والنشر، ۱۴۲۶ق.
- عسقلانی، ابن حجر، تقریب التهذیب، به کوشش عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

همو، تهذيب التهذيب، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤٠٤ق.  
همو، فتح الباري، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، بي.تا.  
عقيلي، محمد بن عمر، الضعفاء الكبير، به كوشش عبد المعطى امين قلجى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق.

عيني، بدر الدين، عمدة القارى شرح صحيح بخارى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي.تا.  
قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، به كوشش موسى جزايرى، قم، دار الكتاب، ١٣٦٣ش.  
مالك بن انس، الموطأ، به كوشش محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٠٦ق.  
همو، المدونة الكبرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي.تا.  
مزي، ابى الحجاج يوسف، تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، به كوشش بشار عواد معروف، بيروت، ١٤٠٦ق.

مسعودى، التنبية والاشراف، بيروت، دار صعب، بي.تا.  
مسلم، ابن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، بيروت، دار الفكر، بي.تا.  
مغلطاي بن قليج، ابو عبدالله، اكمال تهذيب الكمال، به كوشش ابى عبدالرحمن عادل بن محمد، قاهره، الفاروق للطباعة والنشر، ١٤٢٢ق.

مغنيه، محمد جواد، التفسير الكاشف، قم، دار الكتاب الاسلامى، ١٤٢٤ق.  
مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، به كوشش مؤسسة آل البيت (ع) لتحقيق التراث، بيروت، دار المفيد، ١٤١٤ق.  
مقاتل بن سليمان، تفسير مقاتل، به كوشش عبدالله محمود شحاته، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٣ق.

نسائى، احمد بن شعيب، سنن النسائى، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٣٤٨ق.  
واقدى، محمد بن عمر، كتاب المغازى، به كوشش مارسدن جونسن، نشر دانش اسلامى، ١٤٠٥ق.  
يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بي.تا.

Barakat Ahmad, *Muhammad and the Jews: A Re-examination*, New Delhi: Vikas Publishing House, 1979.

Motzki, Harald, *Dating Muslim Tradition: A Survey*, Brill, 2005.

Schöller, Marco, "Qurayza (Banu)", *Encyclopedia of the Quran*, Brill, 2004.

W. N. Arafat, *New Light on the Story of Banu Qurayza and the Jews of Medina*, Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and



Ireland, 1976.

Watt. W. Montgomery, "MUHAMMAD", *The Cambridge History of Islam*, Cambridge, Cambridge University Press, 2008.